

نگاه تحلیلی به مسئله عالم ذر در مکتب تفکیک

جعفر اصفهانی*

رضا اکبری**

چکیده

در مکتب تفکیک، با تکیه بر مبانی انحصار علوم حقیقی در وحیانی، حجیت ظواهر، عدم تجرد روح، تقدم حدوث روح بر حدوث بدن، تفکیک عقل از ذات روح و وجود عوالم قبل از دنیا، وجود عالم ذر پذیرفته شده است. در این مکتب، عالم ذر به دلیل ارتباط با شناخت فطری توحید، دلیل ارسال انبیا و نیز ملاک این‌همانی شخصیت اهمیت بسیار زیادی دارد. دلایل نظریه‌پردازان مکتب تفکیک بر وجود این عالم دلایل نقلی است و در این میان روایت طرح‌شده در تفسیر آیه ۱۷۲ سوره اعراف جایگاه خاصی دارد. در این مکتب به اشکالات مطرح‌شده در خصوص وجود عالم ذر پاسخ داده شده است. اشکالات به دو دسته تقسیم می‌شود؛ دسته‌ای که وجود این عالم را محال می‌داند و دسته‌ای که دلایل طرح‌شده در تحقق این عالم را ناکافی قلمداد می‌کند. در دسته اول پنج اشکال و در دسته دوم دو اشکال عمده مطرح است. پاسخ نظریه‌پردازان مکتب تفکیک به هر دو دسته اشکالات مبتنی بر اصول آنهاست که تمسک به ادله نقلی و نیز نقد مبانی هر یک از اشکالات محوریت دارد.

کلیدواژه‌ها: عالم ذر، ذرّیه آدم، میثاق، معرفت فطری، مکتب تفکیک.

* دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، گروه کلام- فلسفه دین و مسایل جدید کلامی.

** دانشیار گروه فلسفه و کلام دانشکده الاهیات، معارف اسلامی و ارشاد دانشگاه امام صادق (ع).

مقدمه

مسئله عالم ذر از جمله مسایل درون دینی است که مورد اختلاف صاحب نظران اسلامی بوده است. در یک تقسیم بندی می توان آرای موجود در ارتباط با عالم ذر را در قالب دو دیدگاه کلی عرضه کرد؛ دیدگاهی که آیات و روایات دال بر عالم ذر را تأویل کرده و دیدگاهی که قائل به وجود چنین عالمی است. می توان نظریات طرفداران تأویل آیات و روایات عالم ذر را در دو دسته قرار داد. از یک سو، نظریاتی را شاهدیم که با نگاه ادبی و نیز عقلی، پیمان در عالم ذر را به پیمان الهی در زندگی دنیوی هر فرد تأویل می کنند^۱ و از سوی دیگر، دیدگاهی قرار دارد که عالم ذر را با نگاهی فلسفی به عالم عقول تأویل کرده، و بر اساس مراتب ایجاد جهان، حکم به تقدم ذاتی آن بر این عالم می کند.^۲ هر کدام از دیدگاه های مذکور دلایل خاص خود را داشته و درصدد ایراد اشکال و ابطال نظریه رقیب است. مکتب تفکیک با ارائه دلایلی عالم ذر را اثبات می کند و به اشکالات منکران و تأویل کنندگان این عالم پاسخ داده است.^۳

در این مقاله، منحصراً دیدگاه مکتب تفکیک در خصوص عالم ذر توصیف و تحلیل شده است. برای پرهیز از نگاه گزارش گونه به دیدگاه ارائه شده در مکتب تفکیک، مطالب مقاله بدین ترتیب ارائه می شود: ابتدا جایگاه عالم ذر و اهمیت آن در دیدگاه مکتب تفکیک بررسی می شود. در این خصوص به جایگاه نظریه عالم ذر در مسایل توحید، نبوت و معاد اشاره می شود. در پی آن نظریه مورد پذیرش در مکتب تفکیک در خصوص عالم ذر مختصراً توصیف می شود تا زمینه تحلیل نظریه فراهم آید. در پی آن به برخی از مهم ترین مسایل پیرامونی عالم ذر اشاره شده و سپس در مقام تحلیل نظریه، شش اصل محوری مورد پذیرش مکتب تفکیک در مقام اعتقاد به عالم ذر توضیح داده می شود. در بخش پایانی مقاله، پاسخ هایی را که طرفداران مکتب تفکیک به اشکالات وارد شده بر وجود عالم ذر داده اند ذکر می کنیم. این اشکالات در دو دسته طبقه بندی شده است. روشن است که مباحث نقادانه طرفداران یک نظریه بر مباحث ایجابی آنها نیز نور می افکند و به ما اجازه می دهد که فهم بهتری از نظریه پیدا کنیم. به همین دلیل تحلیل و فهم پاسخ طرفداران مکتب تفکیک به اشکالات نیز اهمیت خاصی دارد.

نگاه تحلیلی بر مسئله عالم ذر مکتب تفکیک

در این مقاله به توصیف و تحلیل دیدگاه مکتب تفکیک در این خصوص بسنده شده است. بنابراین، نقادی این دیدگاه که مواردی از این قبیل را شامل می‌شود هدف این مقاله نیست: آیا اهل تفکیک توانسته‌اند جایگاه عالم ذر را آن‌گونه که در متون دینی آمده، نشان دهند؟ نظریه عالم ذر مستلزم تحولی بزرگ در مباحث انسان‌شناختی و جهان‌شناختی است. آیا تفکیکیان به لوازم پذیرش چنین عالمی توجه دارند؟ آیا مبانی اندیشمندان تفکیکی در پذیرش عالم ذر می‌تواند وجود چنین عالمی را به درستی تبیین کند؟ نقاط قوت و ضعف دیدگاه مکتب تفکیک درباره عالم ذر چیست؟ آیا اندیشمندان مکتب تفکیک در مقام ذکر اشکالات مخالفان عالم ذر همه اشکالات را بیان کرده‌اند؟ آیا اندیشمندان تفکیک از عهده اشکالات مخالفان عالم ذر برآمده‌اند؟

در مقام توصیف و تحلیل بیشتر از آثار افرادی همچون میرزامهدی اصفهانی، مجتبی قزوینی، حسنعلی مروارید و میرزاجواد تهرانی استفاده شده و در مواردی به دیدگاه محمدرضا حکیمی نیز ارجاع داده شده است.

۱. اهمیت و جایگاه عالم ذر از دیدگاه مکتب تفکیک

عالم ذر اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در مکتب تفکیک دارد. بررسی آثار بزرگان مکتب تفکیک نشان می‌دهد که در دیدگاه آنها وجود عالم ذر با مفاهیم محوری دین یعنی توحید، نبوت و معاد در ارتباط است.

۱.۱. اهمیت عالم ذر در مسئله توحید: در این دیدگاه، معرفت فطری به خداوند عالی‌ترین نوع معرفت است و منشأ آن شناختی است که انسان‌ها در عالم ذر پیدا کرده‌اند. انسان با چنین معرفتی خداوند را وجدان و مشاهده می‌کند، در حالی که معرفت‌های علمی و عقلی نسبت به خداوند تنها موجب تصدیق و ایمان به وجود خدا می‌شوند. (مروارید، ۱۴۱۸، ص ۹۹) معرفت فطری در همه انسان‌ها، اعم از مؤمن و کافر، وجود دارد و در شداید و سختی‌ها، که امید انسان از تمامی اسباب ظاهری قطع شده، شکوفا می‌گردد و در چنین حالتی است که همگان حقیقت الاهی را وجدان می‌کنند. اما برای مؤمنان به طور خاص تجلیات این معرفت به هنگام دعا و عبادت نیز مشهود است. (همان، ص ۱۰۳)

۱. ۲. اهمیت عالم ذر در مسئله نبوت: از نظر طرفداران مکتب تفکیک، از جمله دلایل ارسال رسل از سوی خداوند متعال، تذکر انبیای الهی به میثاق و معرفتی است که در عالم ذر در نهاد انسان‌ها به ودیعت نهاده شده و غبار غفلت دنیا آن را محبوب ساخته است. فرستادگان الهی با راهنمایی و دستورالعمل‌هایی که از ناحیه خداوند متعال آورده‌اند موجبات یادآوری و شکوفایی آن معرفت فطری را فراهم آورده و انسان‌ها در نتیجه پیروی از انبیا تجلیات الهی را در خود یافته و خالق خود را وجدان می‌کنند. (همان، ص ۱۰۸) در این خصوص به فرمایش علی (ع) استناد می‌کنند که آن حضرت می‌فرماید: «خداوند پیامبران را برانگیخت تا پیمان فطرت را از مردم مطالبه کنند و نعمت فراموش شده‌اش را به ایشان تذکر دهند». (نهج البلاغه، خطبه ۱)

۱. ۳. اهمیت عالم ذر در مسئله معاد: یکی از مبانی و اصول معاد جسمانی در این دیدگاه پذیرش و قبول عوالم قبل از دنیا از جمله عالم ذر برای انسان است. حقیقت ذری انسان همان چیزی است که با پوسیده شدن اجزای بدن در قبر باقی می‌ماند و این همانی شخصیت انسان را در قیامت حفظ می‌کند. (قزوینی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۲۸-۴۰)

با توجه به آنچه ذکر شد، اهمیت عالم ذر در این دیدگاه، به عنوان اصلی اساسی که زیربنای ارکان اصلی دین است، روشن می‌شود. از این رو پیروان این مکتب تلاش زیادی در توصیف و اثبات دیدگاه خود کرده‌اند و به شبهات منکران و تأویل‌کنندگان این عالم پاسخ داده‌اند که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

۲. ویژگی‌های عالم ذر و نحوه اثبات آن در مکتب تفکیک

چگونگی آفرینش انسان و تقدم یا عدم تقدم نفس بر بدن همواره از موضوعات مورد بحث در میان صاحب‌نظران بوده است. در دیدگاه مکتب تفکیک با توجه به آیات و روایات، خلقت ارواح قبل از بدن‌ها پذیرفته شده و انسان قبل از ورود به دنیا عوالم متعددی را پشت سر گذاشته است. نخستین این عوالم عالم ارواح است که از آن به عالم اظله و اشباح نیز تعبیر شده است.^۴ خداوند پس از آنکه در این عالم به انسان‌ها عقل و حیات داد خودش را به آنها معرفی کرد، و از آنها بر نبوت پیامبر خاتم (ص) و امامت امامان دوازده‌گانه (ع) و ولایت ایشان پیمان گرفت. (مروارید، ۱۴۱۸، ص ۱۱۰) پس از گذشت مدتی، خداوند برای هر روحی بدنی ذری از خاک مخصوص آفرید و

نگاه تحلیلی بر مسأله عالم دَر مکتب فلک

ارواح به این بدن‌ها تعلق گرفت. آنگاه خداوند خود را مجدداً به آنها شناساند و از آنها تعهد گرفت. از این عالم، در لسان روایات، به عالم دَر اول تعبیر شده است. (تهرانی، ۱۳۷۴، ص ۵۶) آنگاه جسد مسجود آدم را آفرید که بدن دَری وی در آن بود و بدن‌های دَری فرزندان آدم را در صلب او قرار داد. سپس آنها را از صلب او خارج کرد و بار دیگر خود را به آنها شناساند و از آنها پیمان گرفت. (همان، ص ۱۱۱)

با توجه به آنچه ذکر شد، می‌توان مراحل چهارگانه‌ای را در خلقت انسان قبل از ورود به دنیا نشان داد.

۱. آفرینش روح انسان‌ها در جهان سایه‌ها و کالبدها و معرفی حجت‌های خداوند به آنها از سوی خدا و گرفتن پیمان از آنها.
۲. آفرینش بدن‌های دَری برای هر یک از ارواح و تعلق ارواح به آن بدن‌ها و معرفی خداوند و گرفتن پیمان مجدد.
۳. آفرینش بدن مسجود آدم که شامل بدن دَری او بود و قرار دادن بدن‌های دَری نسلش در صلب او.
۴. اخراج نسل آدم از صلب او به صورت دَری و دادن حیات به آنها و شناساندن خداوند به آنها از سوی خداوند و گرفتن تعهد برای سومین بار.

با توجه به مراحل مذکور، صاحبان اندیشه تفکیک تذکر می‌دهند که اختلاف در مضمون روایات عالم دَر به دلیل اختلاف مراحل و عوالم قبل از دنیاست و لذا موجب تضعیف این روایات نمی‌شود. (همان)

ادله‌ای که صاحبان اندیشه تفکیک برای اثبات عالم دَر آورده‌اند دلایل نقلی است. روایات خلقت ارواح قبل از اجساد، روایات عهد و میثاق، روایات عالم دَر و روایاتی که در تفسیر آیات مرتبط با عالم دَر است از جمله این دلایل هستند. در روایات خلق ارواح قبل از اجساد، از خلق ارواح دو هزار سال قبل از بدن‌ها خبر داده شده و اینکه ارواح لشگریان منظمی بوده و ارواحی که در آنجا با هم آشنا شده‌اند، در این دنیا با هم الفت می‌گیرند و ناآشنایان در آن عالم در این عالم از هم بیگانه‌اند و با یکدیگر اختلاف پیدا می‌کنند. (مجلسی، بی‌تا، ج ۶۱ ص ۱۳۱-۱۵۰)

بخش مهمی از روایات که مربوط به عالم ذر است، ذیل آیه «و اذ اخذ ربك من بنی آدم من ظهورهم ذریتهم و اشهدهم علی انفسهم الست بریکم قالوا بلی...» (اعراف: ۱۷۲) وارد شده است. در این روایات آمده است که خداوند از پشت آدم نسل او را تا روز قیامت خارج کرد؛ آنها همچون ذرات ریزی خارج شدند و خداوند خودش را به آنها شناساند؛ و اگر این شناسایی نبود هیچ کس پروردگارش را نمی‌شناخت. سپس گفت آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: بلی. (تهرانی، ۱۳۷۴، ص ۵۶)

همچنین در حدیثی دیگر بیان شده که معرفت خداوند در عالم ذر برای انسان‌ها حاصل شده ولی آن جایگاه را در این دنیا فراموش کردند؛ و به زودی به یادشان خواهد آمد و اگر چنین نبود، کسی خالق و رازق خود را نمی‌شناخت. (مرورید، ۱۴۱۸، ص ۱۱۳) امام صادق (ع) در پاسخ به چگونگی پاسخ دادن انسان‌ها در عالم ذر و اینکه آن موجودات ریز چگونه پاسخ خداوند را دادند فرموده‌اند: «در آنها نیرویی قرار داد که وقتی از آنان در پیمان عالم ذر سؤال شد، پاسخ دادند». (مجلسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۵۸)

فایده شناسایی مکرر خداوند و اخذ پیمان‌های متعدد از انسان، تأکید بر اتمام حجت است. در ادامه آیه الست که در بالا به آن اشاره شد، خداوند می‌فرماید: «آن تقولوا یوم القيامة انا کنا عن هذا غافلین او تقولوا انما اشرك آبائنا من قبل و کنا ذرّیة من بعدهم افتهلکنا بما فعل المبطلون». (اعراف: ۱۷۲-۱۷۳) در روایات نیز به مضمون همین آیه اشاره شده و لذا امام صادق (ع) فرمودند: «این تعهد را برای آن گرفت که مبادا فردای قیامت بگویید ما از این حقیقت غافل بودیم یا آنکه بگویید فقط پدران ما شرک ورزیدند؛ آیا ما را به عملکرد اهل باطل هلاک می‌کنی؟». (مرورید، ۱۴۱۸، ص ۱۱۴-۱۱۵)

علاوه بر این، با هر بار معرفی خداوند اگر اطاعت و یا معصیتی از طرف انسان به دنبال داشته باشد، باعث استحقاق ثواب و عقاب است. بنابراین، اگر با وجود این تعریف و تعهد، انسان در هیچ یک از مراحل عالم ذر اطاعت نکند و تمایل نشان ندهد، حجت خداوند برای دور کردن از رحمتش تمام‌تر است. از طرفی معصیت صادره از انسان در عالم ذر به جهت فقدان هوس‌ها و انگیزه‌های دنیوی در آن عالم، استحقاق عقاب بیشتری داشته و حجت بر او تمام‌تر است.

۳. مبانی مکتب تفکیک در خصوص عالم ذر

سخن اساسی این مکتب این است که علم دین از طریق وحی و به واسطه پیامبران الهی بر انسان‌ها ارائه شده است و یگانه منبع معارف دین، علوم وحیانی است که در حال حاضر در قالب قرآن و احادیث معصومین در اختیار ماست. لذا معارف دین را از این دو منبع باید جست‌وجو کرد، بی‌آنکه با پیش‌فرض‌های فلسفی و عرفانی بخواهیم نظرات خود را بر این معارف تحمیل کرده و معارف دین را به نفع مبانی فلسفی و عرفانی مصادره کنیم. لذا بنای این مکتب بر این است که تمامی آنچه را می‌خواهد حول موضوعی بیان کند، همه را اعم از توصیف و مبانی، از منابع دینی اخذ کند، بی‌آنکه خلط و امتزاجی با معارف بشری پیدا کند. (قزوینی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۲)

در خصوص عالم ذر نیز این مکتب از این روش پیروی کرده و توصیفات و مبانی این عالم را از آیات قرآن و روایات معصومین گرفته و ارائه داده است. در عین اینکه می‌توان شش اصل را به عنوان مبانی مکتب تفکیک در پذیرش عالم ذر نام برد، اما با توضیحات ذکر شده معلوم می‌شود مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصل مکتب تفکیک در بیان معارف و از جمله عالم ذر، انحصار علوم حقیقی در علوم وحیانی است.

اصل اول: انحصار علوم حقیقی در علوم وحیانی؛ این دیدگاه حقیقت‌های علمی و شناخت‌های معارفی را در صورتی صحیح می‌داند که از راه وحی الهی به دست آمده باشند. زیرا تنها خالق حقایق است که عالم به حقایق است و او می‌باید حقایق را بیاموزاند. (حکیمی، ۱۳۷۷، ص ۵۵) شناخت وحیانی در این دیدگاه تنها شناخت حقیقی است که اگر متفکران بشری از ابتدا از پیامبران و آورندگان وحی الهی پیروی می‌کردند، به علم صحیح دست می‌یافتند و این همه کشمکش و تضاد در آرا و داده‌های بشری راه نمی‌یافت. در این دیدگاه، علوم الهی علوم جدید نام گرفته و در مقابل، علوم بشری راه، علوم قدیم می‌دانند و عمده وجه اعجاز قرآن را علوم و حکمت‌های جدید آن می‌دانند که در مقابل داده‌های علوم قدیم اعم از فلسفه و عرفان است. از نظر آنها قرآن با علوم و حکمت‌های جدیدش برای مقابله و از بین بردن اساس علوم بشری قدیم، نازل شده است. (اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۰)

اصل دوم: حجیت ظواهر؛ در این دیدگاه، ظواهر الفاظ قرآن و سنت حجیت داشته و جز در موارد اندک نمی‌باید به تأویل ظواهر کتاب و سنت پرداخت. مقصود از ظاهر کلام، آن چیزی است که معنا و مقتضای ظاهر، یعنی مفهوم لفظی و متعارف است. اگر در مورد آیات و روایات این معنا پذیرفته نشود و به تأویل اقدام کنیم، نمی‌توانیم مدعی شویم که به قرآن و احادیث معتقدیم. انسان با چشم‌پوشی از ظواهر آیات و روایات خود را از بسیاری از حقایق کتاب و سنت محروم می‌کند. حجیت ظواهر منحصر به آیات و اخبار فقهی نیست، بلکه در آیات و روایات عقایدی نیز جاری است.

از نظر آنها، خطاب‌های قرآنی و نفس گفت‌وگویی پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) و احادیثی مانند حدیث ثقلین، حجیت ظواهر را اثبات می‌کنند. اگر ظواهر آیات و روایات حجت نباشند، راهی عقلایی برای استفاده از آنها باقی نمی‌ماند، در حالی که بنای همه عقلا استناد به آن و حجت شمردن آن بوده و هست. (حکیمی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۹-۱۳۰)

در موارد بسیار اندک، که برهانی روشن برخلاف معنا و مراد ظاهر آیه و حدیث پیدا شود، تأویل جایز و حتی لازم است. (همان، ص ۱۳۰-۱۳۱) اما مواجهه با آیات و روایات با پیش‌فرض‌های فلسفی و عرفانی به معنای گذر از ظواهر کتاب و سنت در موارد بی‌دلیل بوده و موجب تحمیل معانی ناخواسته بر آنها می‌شود.

اصل سوم: عدم تجرد روح؛ علمای مکتب تفکیک به غیریت نفس از بدن اذعان دارند و دلایلی را بر آن اقامه می‌کنند. (تهرانی، ۱۳۷۴، ص ۲۵۹-۲۶۰) ولی در عین حال با ارائه دلایل عقلی و نقلی نفس را برخلاف فلاسفه مجرد نمی‌دانند.

دلیل عقلی اول: ما نفس را معروض «این» و در مکان معین می‌یابیم، و هرچه مکانی باشد مجرد نیست.

دلیل عقلی دوم: گاهی نفس دارای نور فهم است و گاهی فاقد آن. برای مثال، می‌توان به حالت نسیان و نیز پیری اشاره کرد. با توجه به دیدگاه فلاسفه درباره موجود مجرد، هر موجودی که گاه دارای فهم و گاه فاقد آن باشد در مقام ذات مجرد نخواهد بود. (همان، ص ۲۶۰)

نگاه تحلیلی بر مسأله عالم ذر مکتب تفکیک

در کنار این دلایل عقلی، تمسک به آیات قرآن و روایاتی (مروارید، ۱۴۱۸، ص ۲۲۵-۲۲۹؛ تهرانی، ۱۳۷۴، ص ۲۶۱) که بر عدم تجرد روح دلالت دارند نیز دیده می‌شود. در برخی از روایات به صراحت از روح، به جسم رقیق که کالبد متراکمی به آن پوشانده شده تعبیر شده و حتی از بطلان و فنای آن در نفخ صور اول خبر داده شده است. (مروارید، ۱۴۱۸، ص ۲۲۷)

اصل چهارم: سبقت خلق ارواح بر ابدان؛ اندیشمندان مکتب تفکیک با استناد به مجاری وحی، به حدوث ارواح قبل از ابدان قائل‌اند. آنها به روایات زیادی که از خلق ارواح قبل از اجساد با فاصله دو هزار سال خبر می‌دهد تمسک می‌کنند. (قزوینی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۲۸-۳۳؛ تهرانی، ۱۳۷۴، ص ۲۷۲؛ مروارید، ۱۴۱۸، ص ۱۱۲-۱۲۰) از نظر آنها، ارواح قبل از ابدان متکثر بوده و امتیاز هر کدام از ارواح نسبت به دیگری عوارض لاحقیه است. اما عوارض لاحقیه به سبب ماده بوده و پذیرش تقدم روح بر بدن به معنای عدم وجود ماده برای قبول اعراض است. پاسخ آنها چنین است که ارواح مجرد از لواحق ماده نبوده و نفس ماده لطیفی دارد که از ماده اولی است. این مطلب تأکیدی است بر این که در نگاه اندیشمندان این مکتب نفس مجرد نیست.

اصل پنجم: تفکیک عقل از ذات انسان؛ در دیدگاه مکتب تفکیک، نفس انسان بنا بر آنچه صاحب شریعت معرفی کرده ذاتاً تاریک بوده و همانند سایه فاقد نور خارجی است. نفس عین نور شعور و حیات و عقل و علم و فهم و قدرت نیست، بلکه این انوار خارج از حقیقت ذات نفس است. (اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۱) از شواهد دوگانگی نفس و عقل، غفلت انسان از ذات خود است. از آنجایی که عقل عین کشف و شعور است، اگر نفس همان عقل می‌بود لازم می‌آمد که غفلت در خود کشف و شعور نفوذ کند که این مسئله معقول نیست. (مروارید، ۱۴۱۸، ص ۲۱-۲۲)

عدم تجرد نفس و فقر و خالی بودن آن از انوار، هدف و اساس دعوت پیامبر اکرم و نزول قرآن را روشن می‌کند. هدف آن است که مردم با تذکر به پروردگار از خواب غفلت و جهل به فقرشان بیدار شده تا افاضه انوار را در قلوبشان ببینند. (اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۲)

اصل ششم: وجود عوالم قبل از دنیا؛ علمای مکتب تفکیک با توجه به آیات و روایات، عوالمی را برای ارواح قبل از دنیا بیان کرده‌اند. با توجه به اینکه خداوند ارواح انسان‌ها را قبل از ابدان آنها آفریده است، ارواح مطابق آنچه در روایات آمده عوالمی را گذرانده‌اند. نخستین عالم، عالم اظله و اشباح است که ارواح در آن آفریده شدند. آنگاه در عالم دوم، که از آن به عالم دَرّ اول یاد می‌شود، خداوند برای هر روحی بدنی دَرّی از خاک مخصوص آفرید و ارواح به این بدن‌ها تعلق گرفتند. آنگاه بدن مسجود آدم آفریده شد و بدن دَرّی فرزندان او در صلیب قرار گرفت. آنگاه بدن‌های دَرّی را خداوند از صلب آدم خارج کرد و از آنها پیمان گرفت. آیه الست اشاره به عالم دَرّ اخیر دارد. (مروارید، ۱۴۱۸، ص ۱۱۱)

۴. پاسخ به اشکالات عالم دَرّ

علمای تفکیک اشکالات عالم دَرّ را دو نوع می‌دانند. برخی از اشکالات، چنین عالمی را محال می‌داند و برخی دیگر دلیل بر وجود این عالم را نفی می‌کنند. آنها با طرح هر دو قسم از اشکالات به آنها پاسخ می‌دهند.

۴.۱. اشکالات دسته اول

اشکال اول: فراموشی موقف؛ گرفتن میثاق در عالم دَرّ در صورتی درست است که کسانی که از آنها پیمان گرفته شده عقل و قوه تشخیص داشته باشند و اگر این‌گونه بودند حتماً عالم دَرّ، یعنی حادثه‌ای با این عظمت، در دنیا به یادشان می‌آمد. چگونه است که مردم در قیامت موقعیت‌های مهم دنیایی خود را به یاد دارند، با اینکه فاصله قیامت با دنیا بیش از فاصله دنیا با عالم دَرّ است، اما انسان‌ها در دنیا چیزی از عالم دَرّ را در خاطر ندارند. پس عالم دَرّ تحقق ندارد.

پاسخ به اشکال اول: با توجه به قدرت خداوند، دلیلی بر محال بودن این فراموشی نداریم و بر طبق روایات، خود خداوند، حادثه عالم دَرّ را از یاد انسان‌ها برده است. (مجلسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۵۴) مثال روشن در این باره عالم خواب است. با اینکه انسان در خواب زنده است هیچ یک از حوادث عالم بیداری را به یاد نمی‌آورد. می‌توان نسبت دنیا

نماه تحلیلی بر مسئله عالم دَر مکتب ملک

به عالم دَر را همانند نسبت حالت خواب به بیداری دانست که انسان چیزی از آن به یاد ندارد. (مروارید، ۱۴۱۸، ص ۱۲۸)

اشکال دوم: با توجه به آیه الست و روایات مختلف، فایده گرفتن میثاق در عالم دَر اتمام حجت بر انسان‌هایی است که به خداوند ایمان نیاورده‌اند؛ اما در صورتی حجت بر انسان‌ها تمام است که آنها با توجه و التفات به پیمانی که بسته‌اند، آن را انکار کنند؛ به عبارت دیگر، به عهد و پیمان فراموش شده، احتجاج نمی‌شود. با توجه به اینکه انسان‌ها در دنیا به میثاق مذکور التفات نداشته و آن را به یاد نمی‌آورند حجت علیه آنها نمی‌تواند تمام باشد. این به معنای عبث بودن چنین میثاقی است که نشانگر عدم وجود عالم دَر است.

پاسخ به اشکال دوم: لازم است میان تحقق معرفت به خداوند، که ناشی از عالم دَر است، با به یاد آوردن عالم دَر تفاوت قائل شد. آنچه سبب اتمام حجت می‌شود اولی است و نه دومی، در حالی که امر فراموش شده دومی است و نه اولی؛ به عبارت دیگر، معرفت فطری به خداوند نتیجه عالم دَر است که در نهاد انسان باقی است و فراموش نمی‌شود و همین امر برای اتمام حجت کافی است. (مروارید، ۱۴۱۸، ص ۱۲۹) از همین رو کسی که خداوند را انکار کند، در حقیقت با فطرتی که بر آن آفریده شده، مخالفت می‌کند؛ فطرتی که رو به خدا داشته و در هنگام شداید و ناامیدی از اسباب ظاهری، جلوه می‌کند و انسان را به یاد آن معرفت فطری می‌اندازد.

اشکال سوم: پذیرش وجود عالم دَر مستلزم پذیرش تناسخ است؛ تناسخی که تعلق ارواح به ابدان دیگری غیر از ابدان اول است. با توجه به بطلان تناسخ معلوم می‌شود که وجود عالم دَر نیز درست نیست.

پاسخ به اشکال سوم: تناسخی که به اجماع و ضرورت دین باطل است تعلق ارواح اهل سعادت و شقاوت به بدن‌هایی غیر از بدن‌های کنونی است تا انسان از این طریق پاداش یا عقاب داده شود. دلایل فلسفی دال بر ابطال تناسخ، بر این دلالت دارد که نفس انسان نمی‌تواند به بدنی غیر از بدن فعلی تعلق گیرد. روح انسان در عالم دَر به بدن ریزی تعلق گرفته که از همان خاک بدن دنیوی او ساخته شده است. (همان) و ادله

اقامه شده نمی‌تواند امکان تعلق روح را به یک بدن در دو حالت مختلف از جهت حجم و بزرگی ابطال کند.

اشکال چهارم: تعلق دوباره نفس پس از کامل شدن و تجرد، به بدن اولیه، تخصص بدون تخصص است و این امر در امور طبیعی محال است. ماده‌ای که حامل صورت‌های جوهری است، در حرکت تکاملی ذاتی، پیوسته از مرتبه پست به سمت کمال تکامل می‌یابد تا به صورت روح انسانی تبدیل شود. پس منشأ پیدایش روح و تعلق آن به بدن، تناسب تام و آمادگی کاملی است که بین بدن و روح حاصل می‌شود؛ تناسبی که با روح دیگر ندارد. اگر در مسیر حرکت جوهری انسان، مرگ فرا رسد، بدن متلاشی گردیده و روح در عالم ملکوت جای گیرد تناسبی ذاتی بین اجزای متلاشی بدن و روح مجرد وجود ندارد تا روح مجرد مجدداً به این خاک برگردد. (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۲۰۵)

پاسخ به اشکال چهارم: این اشکال که ظاهراً استدلالی است که بیشتر به یک بیان خطابی می‌ماند تا یک استدلال؛ زیرا با مقدمات ظنی و بر اساس نظریه حرکت جوهری و جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء بودن روح عرضه شده است که هیچ برهان عقلی‌ای نداشته و صرفاً یک فرضیه است. از این گذشته، روایات فراوان دال بر تقدم خلقت ارواح بر ابدان این فرضیه را دفع می‌کند. علاوه بر این، روایاتی نشان می‌دهد که روح مانند جن و فرشته و دیگر اجسام همگی از ماده واحدی به نام آب آفریده شده‌اند و تفاوت آنها به لطافت و تراکم نرمی و زبری و دیگر عوارض است. (مروارید، ۱۴۱۸، ص ۱۳۱)

اشکال پنجم: چگونه می‌توان پذیرفت ذره‌ای از ذرات بدن زید (همان جزء ذری زید) که از طریق نطفه از صلب آدم، نسل به نسل به فرزندانش منتقل شده تا اینکه به زید منتهی گشته، همان زید با تمام خصوصیات ادراکی، عقلی، نفسانی، سمعی و بصری باشد که تکلیف به او تعلق گرفته، حجت بر او تمام شده، عهد و پیمان از او گرفته شده و ثواب و عقاب برای او در نظر گرفته شده است؟ دلایل قطعی عقلی و نقلی نشان می‌دهد که انسانیت انسان به نفس اوست که امری وراء ماده است و حادث به حدوث این بدن دنیوی است.

نگاه تحلیلی بر مسئله عالم ذر در مکتب فطریک

پاسخ به اشکال پنجم: اشکال فوق مبتنی بر مبانی فلسفی، خصوصاً مبانی صدرایی، است که خود محل تردید هستند، در حالی که بر مستشکل لازم بود در مقام نخست نشان دهد که پذیرش عالم ذر پذیرش نظریه‌ای ناسازگار است. در این اشکال سه پیش‌فرض وجود دارد که هر سه محل تأمل و تردید طرفداران مکتب تفکیک هستند:

نخست اینکه بر اساس ظواهر روایات ارواح قبل از بدن‌های دنیوی آفریده شده‌اند. یعنی هرچند نفوس حادث هستند، ولی حدوث قبل از بدن دارند و نه حدوث با بدن یا از بدن. این در حالی است که مستشکل نفس را حادث از بدن تلقی کرده است.

نکته دوم آن است که برخلاف دیدگاه مستشکل که شخصیت و هویت انسان را به نفس او می‌داند شخصیت انسان، برآیند روح و بدن است.

نکته سوم آن است که مجدداً برخلاف دیدگاه مستشکل، عقل و شعور ذات نفس را تشکیل نمی‌دهد، بلکه این دو موهبتی هستند الهی که خداوند گاهی آنها را به انسان می‌دهد و گاهی سلب می‌کند. بنابراین، اگر خداوند عقل و شعور را از کسی بگیرد، نفی شخصیت او نکرده، بلکه به شخص بیهوش یا خوابیده‌ای می‌ماند که هیچ‌گونه فعالیت ذهنی و ادراکی نداشته و خواب هم نمی‌بیند. در این حال شخصیت انسان وجود دارد ولی ادراک ندارد و به چیزی حتی خودش توجه ندارد. (همان، ص ۱۳۲)

با توجه به این سه نکته اشکال فوق مندفع است. ظاهر روایات می‌گویند خداوند بدن زید را در عالم ذر در نهایت کوچکی به صورت خاص آفرید و روح خاص زید به او تعلق گرفت. آنگاه به او عقل و شعور داد، به طوری که خود را به عنوان مخلوق حادث و پروردگار خود را به عنوان خالق شناخت و به عبارتی او را دید؛ یعنی ذات خدای متعال بدون کیفیت برای او ظهور کرد نه آنکه او را تصور کرده یا آن‌گونه که می‌گویند در او فانی شده باشد. پس از این شناخت، او به توحید اقرار کرد و عهد و پیمان از او گرفته شد و اثر این معرفت و دیدار در روح او باقی ماند. سپس عقل و شعور از او گرفته شد و این ذره به پشت‌های پدران و رحم‌های مادران در این دنیا منتقل شد و با تغذیه و تربیت رشد و نمو کرد و سیر تکاملی محسوس خود را پیمود تا آنکه خداوند مجدداً به او عقل و شعور داد، در حالی که همه عوامل سابق خود را فراموش کرده بود. (همان)

۲.۴. اشکالات نوع دوم

دسته دوم اشکالاتی هستند که دلایل ثبوت عالم دَر را زیر سؤال برده‌اند. به عبارت دیگر، این دسته از اشکالات نحوه استدلال طرفداران وجود عالم دَر را مخدوش می‌دانند. ما در این قسمت به دو اشکال و پاسخ نظریه‌پردازان مکتب تفکیک به آنها اشاره می‌کنیم.

اشکال اول: دلالت نداشتن آیه الست بر عالم دَر: اگر نسل آدم از پشت آدم گرفته شده بود، چنان که ظاهر روایات آن را می‌رساند، می‌باید خداوند در این آیه می‌فرمود: «و اذ اخذ ربک من آدم من ظهره دَرّیته»، در حالی که فرموده است: «و اذ اخذ ربک من بنی آدم من ظهورهم دَرّیتهم».

پاسخ اشکال اول: خداوند اولاد بی‌واسطه آدم را از صلب او خارج کرد. آنگاه اولاد اولاد او را به ترتیب از صلب اولاد او بیرون کشید و همچنین اولاد اولاد اولاد او را از صلب پدران بی‌واسطه‌شان بیرون آورد تا آنکه آخرین نسل مطابق رخدادهای کنونی رسید. لذا استفاده از کلمه بنی آدم به این اعتبار است. از سوی دیگر، حتی اگر این آیه بر اخراج نسل از صلب آدم در عالم دَر دلالتی نداشته باشد، اخبار متواتر بر آن دلالت می‌کند. پس دو اخراج داریم؛ اخراج نسل از پشت بنی آدم، که با قرآن اثبات شده، و اخراج نسل از پشت آدم، که با روایات اثبات می‌شود، و این دو منافاتی با هم ندارند. (همان، ص ۱۳۴)

اشکال دوم: تعارض تفسیر آیه الست به عالم دَر با آیات دیگر: آیاتی از قرآن مبداً پیدایش انسان را آب جهنده دانسته (طارق: ۵-۶؛ مرسلات: ۲۰) و این با اینکه انسان در جهان قبل آفریده شده منافات دارد.

پاسخ اشکال دوم: آیاتی که ترتیب دنیوی خلقت انسان را بیان می‌کند، با اینکه انسان قبل از دنیا خلقت دیگری داشته باشد، منافات ندارد. همان‌گونه که برخی آیات به قبل از نطفه اشاره دارد و شروع خلقت انسان را از عصاره گِل بیان می‌کند. (مؤمنون: ۱۲-۱۴) و در آیه‌ای دیگر خلقت انسان را در شکم مادران دانسته (زمر: ۶) و این نشان از آن دارد که آیاتی که خلقت انسان را از نطفه بیان کرده اشاره به مرحله متوسطی دارد که مراحل قبل را نفی نمی‌کند. (مروارید، ۱۴۱۸، ص ۱۳۶)

همچنین در روایات آمده:

خدایا نعمت خود را بر من آغاز کردی قبل از آنکه چیز قابل ذکر باشم. سپس مرا از خاک آفریدی و مرا در امان از حوادث و سنوات مختلف، در پشت پدران قرار دادی. مرا به خاطر مهر و لطفت به من، در زمان حکومت پیشوایان کفر به دنیا نیاوردی؛ آنانی که پیمان تو را شکستند و پیامبران تو را تکذیب کردند. بلکه مرا با سابقه هدایتی که برای من فراهم نمودی، خارج نموده و در همان زمینه مرا به وجود آوردی و با آفرینش زیبایت قبل از اینها به من مهربانی و محبت ورزیدی. سپس خلقت مرا از منی آغاز نمودی ... (مجلسی، بی تا، ج ۹۸، ص ۲۱۶)

این روایت دالّ بر آن است که خلقت در عالم دَرّ با مراحل خلقت انسان در دنیا تعارضی ندارد.

نتیجه گیری

آنچه در خصوص نظریه اندیشمندان تفکیک درباره عالم دَرّ گفته شد دربرگیرنده نکات متعددی است. مهم ترین نکات مد نظر اندیشمندان مکتب تفکیک در این خصوص موارد ذیل است:

الف. علم دین در قالب قرآن و احادیث معصومین (ع) در اختیار ماست و می باید معارف دین را از این دو منبع دریافت کرد، بی آنکه با پیش فرض های فلسفی و عرفانی، نظرات خود را بر این معارف تحمیل کنیم.

ب. اهمیت و جایگاه عالم دَرّ به گونه ای است که با تمام ارکان دین مرتبط است و می تواند پاسخ گوی بسیاری از شبهات در زمینه توحید و نبوت و معاد باشد. در عالم دَرّ، انسان ها معرفت خداوند را وجدان کرده و با معرفت خداوند به دنیا می آیند. با توجه به شرایط دنیا و حجاب غفلتی که چنین معرفتی را مستور کرده مهم ترین وظیفه انبیای الهی، تذکر به امور است که انسان ها به آن معرفت متذکر شوند. و همان بدن دَرّی مهم ترین اشکال معاد جسمانی عنصری، یعنی مسئله این همانی شخصیت، را پاسخ می دهد.

ج. مهم‌ترین دسته از روایاتی که عالم ذر را تشریح می‌کند، روایاتی است که از خروج ذری ذریه آدم از پشت ابوالبشر جسمانی حکایت دارد. صراحت این روایات در جسمانی بودن عالم ذر به گونه‌ای است که نوصدراییان معاصر نیز بی‌آنکه آنها را تأویل کنند، به ذکر آنها بسنده کرده‌اند. (طباطبایی، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۲۸-۳۲۹)

د. بین معرفت به خدا، که در عالم ذر حاصل شده، و یادآوری آن تفاوت هست. اتمام حجت خداوند با معرفت به جای‌مانده در فطرت انسان‌هاست. از جمله شواهد وجود این معرفت آن است که این فطرت در هنگام شداید و ناامیدی از اسباب ظاهری برای همه انسان‌ها، اعم از مؤمن و کافر، ظهور می‌کند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. شیخ مفید آیه ذر را بر اساس مجاز تفسیر کرده و مقصود از آن را پیمان از عقل بشر دانسته است. او برای اثبات صحت نظر خود به ابیات متعددی از شاعران عرب و نیز آیات دیگری از قرآن استشهاد کرده است. همچنین اعتقاد به عالم ذر به معنای خلق روح انسان قبل از بدن کنونی را شبیه به نظریه تناسخ دانسته و به همین دلیل باطل می‌داند. (نک: مفید، ۱۴۱۳ الف، ص ۴۷-۵۲؛ همو، ۱۴۱۳ ب، ص ۸۱-۸۷) مشابه سخنان شیخ مفید را در آثار شریف مرتضی نیز می‌یابیم. او نیز در ابطال وجود عالم ذر به دلایل قرآنی و نیز عقلی تمسک کرده و آن را به پیمان الهی از عقل بشر تأویل می‌کند. (نک: شریف مرتضی، ۱۹۹۸، ج ۱، ص ۲۸-۳۰) در دوره معاصر نیز، مکارم شیرازی در برابر مدافعان، دیدگاه منکران و تفسیر آنها را پذیرفته است و با بحث طولانی و نقد و بررسی روایات ذکرشده در برخی از تفاسیر همچون تفسیر برهان و نیز اقامه ادله عقلی عالم ذر را به عنوان عالمی که قبل از این جهان باشد پذیرفته و مقصود آیه را پیمان الهی از عقل بشر دانسته است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۲۸۸-۲۹۲ و ج ۱۵، ص ۲۳)

۲. ملاصدرا در آثاری چون *مفاتیح العیب العرشیه*، *شرح اصول کافی*، *تفسیر القرآن الکریم* و *اسفار عالم ذر* را به عالم عقول تأویل کرده است.

۳. در خصوص عالم ذر در اندیشه اهل تفکیک، کتابی است با عنوان *سد المقتدر علی منکر عالم النذر*، که سلسله دروس محمدباقر علم‌الهدی، از علمای مکتب معارفی خراسان بوده است. در این کتاب، به طور مفصل و عمیق، به عالم ذر پرداخته شده و در قریب به ۷۰۰ صفحه پس از تبیین و اثبات عالم ذر، به شبهات منکران پاسخ داده شده است. همچنین سلسله مقالات بیابانی اسکویی که در فصلنامه *سقیه*، شماره‌های ۱۵ تا ۲۵ به چاپ رسیده، قابل اشاره است. نویسنده این مقالات که خود از اندیشمندان مکتب تفکیک است این مقالات را تحت دو عنوان «انسان در عالم اظله و اشباح» و «انسان در عالم ذر» نگاشته است و در آنها ابتدا این موضوعات را از

نگاه تحلیلی بر مسدعالم در مکتب فطریک

- طریق آیات و روایات تبیین کرده و سپس نظرات علمای قرون چهارم تا پانزدهم قمری را در این زمینه، اعم از موافق و مخالف، ارائه و نقد و بررسی کرده است.
۴. این اصطلاح در لسان روایات آمده است و بر اساس آنچه مروارید در کتاب *تنبيهات حول المبدأ و المعاد*، آورده می‌گوید از مجموع روایات استفاده می‌شود که خداوند ارواح انسان‌ها را قبل از بدن‌ها آفرید. از این عالم به عالم اظله و اشباح تعبیر می‌شود. نک: مروارید، ۱۴۱۸، ص ۱۱۰.
۵. در این دیدگاه با توجه به روایات، می‌گویند خالق متعال در ابتدای خلقت، جوهری به نام «ماء» ابداع کرد و سپس تمامی مخلوقات و از جمله نفوس و ابدان از آن خلق گردید. از این ماده اولیه به ماده اولی نیز تعبیر شده است. نک: تهرانی، ۱۳۷۴، ص ۲۳۰ و ص ۲۷۴؛ مروارید، ۱۴۱۸، ص ۲۱۱.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. اصفهانی، میرزاهدی، ۱۳۸۷، *ابواب الهدی*، مقدمه و تحقیق: حسین مفید، تهران، منیر، چاپ اول.
۴. بیابانی اسکویی، محمد، ۱۳۸۶-۱۳۸۸، «انسان در عالم ذر»، در: *فصلنامه سفینه*، ش ۱۵-۲۵.
۵. تهرانی، میرزاجواد، ۱۳۷۴، *میزان المطالب*، قم، مؤسسه در راه حق، چاپ چهارم.
۶. حکیمی، محمدرضا، ۱۳۷۷، *مکتب تفکیک*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم.
۷. -----، ۱۳۸۳، *اجتهاد و تقلید در فلسفه*، قم، دلیل ما، چاپ چهارم.
۸. شریف مرتضی، علی، ۱۹۹۸، *امالی المرتضی*، قاهره، دار الفکر العربی.
۹. مفید، محمد، ۱۴۱۳، *الف، المسائل السرویه*، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید، الطبعة الاولى.
۱۰. -----، ۱۴۱۳، *ب، تصحیح الاعتقادات الامامیه*، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید، الطبعة الاولى.
۱۱. طباطبایی، محمدحسین، بی‌تا، *تفسیر المیزان*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۲. علم الهدی، محمدباقر، ۱۴۳۳، *سد المقتدر علی منکر عالم ذر*، گردآوری و تصحیح: علی رضوی، بیروت، دار العلوم، الطبعة الاولى.
۱۳. قزوینی، مجتبی، ۱۳۷۳، *بیان الفرقان*، (جلد سوم، فی معاد القرآن)، تهران، مرکز جامعه تعلیمات اسلامی.
۱۴. مجلسی، محمدباقر، بی‌تا، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، دار الکتب الاسلامیه.
۱۵. مروارید، حسنعلی، ۱۴۱۸، *تنبيهات حول المبدأ و المعاد*، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۹، *الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*، قم، مدرسه الامام علی ابن ابی طالب، چاپ اول.
۱۷. ملاصدرا، محمد، ۱۹۸۱، *الحکمة المتعالیه فی اسفار العقلیه الاربعه*، بیروت، دار احیاء التراث، چاپ سوم.